

مکس و مشروعیت آن در فقه امامیه

رضا احمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

چکیده:

یکی از نهادهایی که در روایات و متون فقه تشریح و نصوصاتی از آن دیده می شود نهاد مکس می باشد. همینطور عبارت مذکور به مناسبت های متعددی در ادله ی فوق آورده و به آن پرداخته شده است. نقود غش، زکات و صدقات، تجارت و معاملات، امورات ارث و موتی در فقه از بخش هایی است که از مکس و مکوس عباراتی مطرح شده است. مصادیقی از آن در متون شرع مورد کراهت و منع و افرادی نیز جایز و مشروع انگاشته شده است. در این مقاله سعی شده با روش توصیف و اسنادی ضمن تتبع در معانی مکس و تحدید آن در صدد بیان نهادی بوده که در معاملات و اسواق بصورت عقد و الزام واقع شده و مورد کاربرد قرار می گیرد. و حتی بر سایر عقود و معاملات حکومت و سیادت دارد. همچنین با بیان موارد تجویز و شرعیت آن، بعنوان یکی از مصادیق عقود معین و یا نهادی مورد ابتلاء نزد قانونگذار ایران ملحوظ گشته و در تقنین قوانین موضوعه مورد اهتمام واقع شود.

کلید واژه. مکس. مما کسه. درهم.

مقدمه.

یکی از واژه هایی که در ادله ی شرعیت اسلام بکار رفته و فروعاتی نیز برای آن وارد شده مکس - مالیات و یا اخذ و نقصان در چیزی - می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۰. زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۷۷) واژه ی مذکور در متون قدیم و معاصر عمدتاً در مورد مناصب و عناوینی استعمال می شد که نزد سلاطین و حکومت ها بوده و بر جامعه اعمال می شده است. (ابویوسف، ۱۳۰۲، ص ۱۳۶). همچنین وضع و استعمال این واژه در بازار و معاملات نیز رواج داشت که مربوط به دوره ی جاهلیت اعراب بوده است. (علی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، ص ۱۶۱) نهاد مکس در تاریخ نیز از سوی ولات و حکام مورد کاربرد و وضع قرار می گرفته است. مثل وضع مکوس در کالا و محصولات از قبیل پنبه، زیتون، خرما، چوب، آهن، علوفه و غیره (مقریزی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۹۵).

^۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه عدالت؛ کارشناس سابق حقوق بشر و پیگیری حقوق شهروندی وزارت

پرداختن به مشروعیت نهاد مکس، معانی و مفاهیم منصوص و ذکر افراد و مصادیق آن در شرح مقاله ی حاضر را تشکیل می دهد. همینطور مسئله ی مورد جست و جو این است که از حقیقت نهاد مذکور در شریعت چه ذایقه و خطابی از سوی شارع دریافت و تلقی می شود. و در صورت تلائم و جواز آیا می توان در قوانین موضوعه به عنوان و مصادیق خود آورده شود.

نیز در این مقاله سعی شده است که تا حدی به مکس و نهادهای نزدیک و مشابه به آن مثل ماکسه، مکاس و مکوس پرداخته و مشروعیت و ادله ی آن در متون فقه و شریعت مورد بررسی قرار داده شود.

مکس در لغت و اصطلاح :

مکس در کتب لغت در معانی «دراهم»، «ضریبه یا مالیات»، «نقص و انتقاص» و نیز خراج، جبایه و یا خیانه آورده شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۰. زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۷۷. حمیری، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۶۳۶. سیوطی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۰). باید گفته شود برای واژه ی مذکور در نصوص لغوی ماده و ریشه ای ذکر نشده و از این رو شاید معرب و یا لغتی از زبان دیگر بوده که در زبان عربی منقول گشته است. احتمال دارد که مکس در اصل معرب از لغات لاتین «make»، «mac» یا «march»^۱ (علی، ۱۴۲۲، ج ۱۶، ص ۳۵۷. Oxford English dictionary، ۱۹۸۹، ذیل واژه «make»، «mac»، «march». Leiden، ۱۹۹۱، ص ۱۹۴). و یا اسم علم رومی- ژرمنی «max» بوده (bedini، ۲۰۱۶، ص ۴۵۵) که جمع عربی آن بصورت «مکوس» در آمده است. (فیومی، ج ۲، ص ۵۷۷). و نیز ممکن است شکلی از تلفظ عامیانه از ماده «مَسک» - به معنای گرفتن یا پرداخت - باشد (خفاجی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۳۶۶. ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۸۹). همچنین با واژه ی مگس (مگس) - که نوعی حشره یا حیوان است - قرابت و تشابه در نسخ دارد. شاید «م» در واژه ی مذکور مصدری یا اضافی بوده که در این صورت باید گفت که مکس اصل آن از ماده ی «کس یکس» و به معنای قصور و خرد کردن می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۹۶. ابن سیده، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳۳). همینطور می تواند شکل تازه ای از ماده ی مخفف «مک» و یا صنعتی از لغت «اک» باشد که مصدر آن به صورت «مکس» تغییر شکل داده است. (رازی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹۶). در استعمالات اعراب جاهلی گمان و تصویری پیدا است که در آن لغت مکس می تواند با ماده ی «عکس» قرابت داشته و هم ردیف با آن باشد. «دون ذلک مکاس و عکاس». (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۷۷). که به دلیل سیاق جمله گویا لغت مذکور نزد آنان نامانوس و نا آشنا می باشد. مکس در بعضی از

- بنا به تجانس و شباهت در ظاهر الفاظ و همسانی (یا اشتراک) در معنا. لغات مذکور به معنای خلط و مزج،

^۱ می باشد. (Oxford English dictionary، ۱۹۸۹، ذیل واژه های «make، mac، march» قابلیت، قوه، حد، مرز، محاسبه .)

تحقیقات لغتی مقلوب از واژه ی «مقس» آورده شده است که به منطقه ای در مصر نام نهاده شده است. (مقریزی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۲۲۲. زیدان، ۱۹۰۲، ج ۱، ص ۱۷۸). همچنین به بعضی مناطق و شهرها اطلاق شده است. (دهخدا، ۱۳۴۲، ذیل واژه ی «مکس». جزری، ج ۲، ص ۴۵۸)

تشاحی (حرص و بخل ورزیدن بر مال)، ضیق و مضایقه (رازی ابوالفتح، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۲۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۹۵. کاشانی فتح الله بن شکرالله، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۲۸). از دیگر معانی منصوص مکس در منابع می باشد؛ لغت مذکور در بعضی متون معادل با بخش نیز بیان شده است. (جزری، ج ۱، ص ۱۰۲). مکس در کتب لغت فارسی به معنای چانه زنی، تفتیش و واریسی، راهداری و باج معنا و ترجمه شده است. (دهخدا، ۱۳۴۲، ذیل واژه ی «مکس» و «مکاس»). عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه ی «مکس». آل احمد. ص ۳)

مکس در اصطلاح:

علاوه بر معانی لغوی مذکور، مکس در موارد دیگری نیز مصطلح بوده و تعاریفی را نیز معادل با آن آورده اند. جزیه و خراج، (قنوی ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۱۷۰. علی، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۱۷۰۱. منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۷۲).^۱، گمرکات کالاهای تجاری و محتکرات، (ابوجیب، ۱۴۰۸، ص ۶۵. منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۷۸).، صدقه و زکات (عبدالرحمان، ج ۳، ص ۳۴۴. جزری، ج ۱، ص ۱۰۲. زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۴). و چانه زنی، (دهخدا، ۱۳۴۲، ذیل واژه «مکاس»). (لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۳). از عباراتی است که در متون مختلف اصطلاحاً به عنوان مکس آورده شده است. «عوارض و مبالغی که در حکومت های اسلامی در سرحدات ممالک مفتوحه از ورود و خروج کالاها می گرفتند»، (لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۷۱۴) و یا «مبالغی که از بازرسی ها و ورودی های طرق از عابرین و مارّه دریافت می کردند» نیز از تعاریفی است که در اصطلاح برای مکس بیان شده است؛ (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۹. جصاص، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۷۹).

تشریح مکس .

شامه و مذاق بعضی از روایات در باره ی مکس یا ماکسه منافر و مکروه بوده و حتی رایحه ای از نهی و کراهت از آن دیده می شود. (سیوطی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۰. ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۷. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۳. عاملی حر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۷). از این رو عمل به مکس در بعضی از منابع شرع به صراحت مورد نهی و عقوبت قرار گرفته و از آن منع شده است. (همو) با این حال بعضی از مولفین فقه و فقراتی از روایات، مکس و ماکسه را در نطق خود تشریح و

– نهادهای مذکور به معنای اموال و مبالغی است که حکومت و عمال آن از مردم جمع کرده و نزد خود برای مصارفی نگه می دارند.

^۱(علی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، صص ۱۶۰، ۱۶۱. آل غازی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۹۳).

مورد اجازه قرار داده اند؛(عاملی حر، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۴. بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۴۷. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۴۲. حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۰۳). بطوری که بر مبنای آن شاید بتوان گفت مکس در حصّه و افرادی به لسان شریعت تجویز گشته و مباح می باشد. در ذیل به روایات و متونی پرداخته می شود که در باره مکس و شئون آن وارد شده و در تشریح آن مدخلیت دارد.

در غیر مشروعیت مکس:

همانطور که بیان شد در ادله ی فقه شیعه و نیز اهل سنت روایات و متونی وارد شده که دلالت بر نهی، ذمّ و حتی منع از عمل مکس دارد؛ همچنین آیاتی از وحی - کلام الهی - نازل گشته که نفی، نهی و تزجیر از مکس را با خود داشته و یا مقصود می باشد. (ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۰۷. حقی برسوی، ج ۴، ص ۴۵۷). ادله و شواهد مذکور به ترتیب ذیل می باشند:

الف: نهی از مکس در کتاب عزیز. در قرآن کتاب خدای سبحان می توان به آیاتی استناد نمود که از آن نهی، منع و زجر از مکس و ممانعت استنباط می شود. آیات مذکور عبارتند از:

۱- آیات نهی کننده از مکس:

أ- «وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ...»^۱ (قرآن: ۱۱ / ۸۴). «بخس» در لغت و نیز در آیه ی مذکور بنا به نصوص تفاسیر با مکس مترادف بوده (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۱۷. کاشانی. فتح الله بن شکرالله، ۱۴۲۳. ج ۲، ص ۵۶۱. خفاجی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۲۱۳). و از این رو می توان گفت نهی وارد شده در کلام الهی مناول و در بر گیرنده ی مکس می باشد.

ب- «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ...»^۲ (قرآن: ۳۹ / ۲۹). عبارت «متشاکسون» در آیه ی مذکور از ماده ی «شکس» و مترادف با معنای مکس می باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۱. زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۷۷). از این رو سیاق و لحن آیه گویای نفی از شکس یا مکس می باشد. (رازی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۲۰).

علاوه بر آیات مذکور آیات دیگری نیز می باشد که دلالت بر عدم مشروعیت مکس و ممانعت و نیز زجر و نفی از آن دارد. مثل آیات: «وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ...»^۱ (قرآن: ۲۱ / ۷۴). در منابع تفسیری مکس

^۱ - و بر اشیاء مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۳۹).

^۲ - خدای متعال مردی را مثال زده که چند شریک ناسازگار بر سر او نزاع کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۵).

در عداد اعمال ناپسند آمده و از مصادیق آن شمرده شده است. (سیواسی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۱۷). «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۲ (قرآن: ۳۴/۹). طبق رأی مفسرین مکس درهم اولویت بر گنجینه ی آن داشته و از این رو به طریق اولویت نهی از مکس نیز شده است. (رضا، ۱۴۱، ج ۳، ص ۱۱۲). «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ...»^۳ (قرآن: ۷/۸۶) خطاب آیه با مکاسین و آنها را از عمل مذکور منع می نماید. (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۶۷۵. رسعی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۹۵. سیوطی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۷). و «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ»^۴ (قرآن: ۶/۶۵). در آیه ی فوق طریق انفاق محارم شیوه ای غیر از مکس و مکاس مورد خطاب قرار گرفته، و اعمالی از این قبیل - اسانات و بدی ها - در مقابل امورات معروف - مثل توسعه و سخاء - انگاشته شده است. (حقی برسوی، ج ۱۰، ص ۳۸. ابوزهره، ج ۲، ص ۸۱۲).

ب: روایات محذّر برای مکس:

بعضی از احادیث و روایات در نطق و سیاق خود از مکس تحذیر نموده و آن را مورد اجتناب و پرهیز قرار داده است. مانند حدیث نبوی که می فرماید: «صاحب مکس در آتش است (احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۰۹).» صاحب مکس در بهشت نمی شود» (جزری، ج ۴/۳۴۹. احمد بن حنبل، ج ۴، صص ۱۴۳، ۱۵۰).

روایاتی نیز از بعضی از افراد و مصادیق مکس نهی نموده اند؛ مثل مقطوعه ی روایت از معصوم (ص) که می فرماید: «در چهار مورد مکس - ممالکسه - نکنید در مناسک حج و در کفن و در بهای کنیز و در کرایه ی مکه». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۷).^۵ روایت علی بن حسین (ع) که در همین زمینه وارد شده است. «خرید کن و مکاس - مکس - نکن». (همو، ج ۳، ص ۱۹۷). و روایت ابی اسامه در مورد خرید روغن از سوی امام معصوم (ع). «وقتی که در

^۱ - و از آن دهکده ای که کارهای پلید می کردند نجاتش دادیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۱۶).

- و کسانی که طلا و نقره ذخیره می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند به عذابی دردناک بشارتشان ده. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۱۵).

^۲ - بر سر راه منشینید که مردم را بترسانید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۵).

^۳ - و باید مرد توانگر بقدر توانگریش انفاق کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۲۳).

^۴ - لَا تُمَاكِسْ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ... الخ. سند مذکور در مواضع دیگر منابع روایی از دیگر معصومین (ع) روایت شده است. (ابن

بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۰. مجلسی، محمد تقی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۵۵. عاملی (حر)، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۴۵۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۱۰، ج ۹۶، ص ۲۹۴).

منزلی فرود آمدیم امام به سمت اسود رو کرد که روغن داشت و از او خریداری کرد بدون اینکه با او مکس - ماکسه کنند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۳).

در منابع روایی شیعه و اهل سنت روایات متعددی اعمال مرادف با مکس - مانند عشر، سحر، شرط، عرطبه و طنبور - را منع و حذر نموده و صاحبین آن را سب کرده است. مثل روایت محمد بن موسی که می فرماید: «و بر عشار در هر روز و شب لعنت خدا و ملائکه و مردم باد». (عاملی حر، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۹۰. مجلسی. محمد بن باقر ۱۴۱۰. ج ۷۳ ص ۳۶۹)^۱. و روایت احمد که در آن ساحر مورد استجاب قرار نمی گیرد: «خداوند از چیزی سؤال نمی کند مگر در صورت اعطاء مگر اینکه ساحر یا عشار باشد». (احمد بن حنبل. ج ۴ ص ۲۱۸). و روایات نهی از درهم: «آن را بشکن که بیع آن حلال نیست و نه انفاق آن» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۹۷).

روایاتی نیز در مورد مسخ عشار و سهیل وارد شده که گویای قهر و غضب خدای متعال نسبت به این گروه از انسانها - صاحبین مکس و یا منصب مذکور - می باشد. (مجلسی محمد بن باقر ۱۴۱۰، ج ۶۲، ص ۲۲۲). و یا در صحیفه ی منتسب به ادریس نبی مکوس در عداد کفر، بغی، ظلم و فساد اقوام طاغی قرار داده شده است: «و مکوس - مالیات - وضع می کردند و به قتل انسان مبادرت داشتند» (همو، ۱۴۱۰، ج ۹۲، ص ۴۶۳).

ج - رای به حرمت ضرائب، مالیات وضعی و یا مکوس بصورت مطلق از سوی فقهاء و نقل اجماع. در فقه شیعه نیز آرائی دیده می شود که دلالت بر عدوم جواز و احتیاط دریافت مکس به عنوان یکی از امورات مستحدثه بعد از پیامبر اسلام داشته (خمینی، ج ۱، ص ۵۰۲، ۵۰۳. حسینی شیرازی، ۱۴۲۱، ص ۱۱۲) و حتی در متون بعضی از فقهاء اجماع نیز مبنی بر حرمت آن نقل و ادعا شده است. «و منها بالاجماع من الفریقین» (عاملی مکی، ج ۲، ص ۱۴۵). همچنین در بعضی از فتاوی و آراء فقهاء کراهت و نیز حرمت مکس و ماکسه مورد افتاء قرار گرفته است. (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۸۶)

آرائی از فقهاء نیز در مورد مکس به معنای مالیات، گمرک و عوارض به حرمت تعلق گرفته است؛ (عاملی مکی، ج ۲، ص ۱۴۵. خمینی، ج ۱، ص ۵۰۲)

- برای مشاهده ی روایات دیگر با مضمون مشابه رک. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۰۷۸. عاملی (حر)، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص

^۱ ۳۳۳. مجلسی. محمد باقر، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰، ص ۱۴۶)

مشروعیت مکس.

با وجود اینکه مکس و مشتقات آن در عده ای از روایات و سیره مورد نهی قرار گرفته است - چه بصورت مطلق و یا افراد و مصادیقی از آن -، این تاسیس در بعضی از آیات قرآن و روایات مورد تشریح و سنت (سیره) واقع شده است. در ذیل شواهد و نظایری از موارد تشریح آن بیان می گردد؛

در قرآن آیاتی دلالت بر مشروعیت و جواز مکس داشته که بیانگر دلالت نهاد مذکور در کلام خدا می باشد. صراحاتی مانند «وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» (قرآن: ۱۲۸/۴) بنا بر احتراز به آن دلالت بر اجازه و تشریح تشاحی داشته که نحوی از مکس و ماکسه می باشد (حلی سیوری، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۱۷). «وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ..»^۱ (قرآن: ۶/۴) از آنجا که دلالت بر وجوب اختبار و خبرویت داشته و از این طریق مکس و ماکسه که از لوازم، تمهیدات و مقدمات نهاد مذکور است را تجویز، و مورد توصیه قرار می دهد. (حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۱. فیض کاشانی، ج ۳، ص ۱۸۸). «وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ»^۳ که دلالت بر منع از اغماض و چشم پوشی در اکتسابات داشته و بدین جهت مکس و ماکسه را در معاملات و مکاسب مورد امر قرار می دهد. (کرمی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۳۵۲. نراقی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۱۵۴. صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۷، ص ۳۱۴). «وَقَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ»^۴. (قرآن: ۲۸/۲۸) دلالت بر مکس، ماکسه و تحاسب دو امر از سوی پیامبر خدا می کند. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲، ص ۳۳۷. خطیب، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۷۰۰). و نیز آیات صدقه و زکات از آنجا که ریشه در اخذ مکس و مالیات داشته و از طرفی مناشی نزول، الگو و طباق آیات مذکور دریافت مالیات و باج بوده است. (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۰۰).

مکس در روایات نیز تشریح شده و عمل به آن در این قسمت از منبع شریعت مورد جواز و استحباب قرار گرفته است (عاملی حر، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۴). روایت علی بن الحسین که ظهور دارد بر اینکه خرید شتر در حج از سوی امام معصوم بصورت مکس و تمکاس بوده و دلالت بر جواز و تشریح عمل مذکور می کند. «مردم فردا از شما تعجب

^۱ - و بخل که خدا به منظور حفظ و دفاع از حق در نهاد جانها نهاده در او تحریک شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۵۷).

^۲ - یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده د. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۳۹).

^۳ - و پست آن را که خودتان نمی گیرید مگر با چشم پوشی برای انفاق منظور نکنید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۶).

- موسی گفت این قرارداد بین تو و خودم را قبول دارم هر یک از آن دو را که خواستم انجام می دهم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۲۴).

دارند، که در عرفه می باشی و برای بدنه مکاس - مکس - زیاد می کنی». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۴۶).^۱ و روایت ابو جعفر که در آن امام معصوم برای جلوگیری از غبن به مکس در معاملات امر نموده است. «با مشتری مکس - مکاس - کن چرا که آن به طیب نفس نزدیک است و هر چند که مبلغ زیادی پردازی». (عاملی (حر)، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۵). روایت نبوی (ص) که مربوط به ستاندن شتر (اخذ جمل) بوده و در آن از خرید شتر به شیوه ی مکس از سوی پیامبر (ص) خبر شده است. «آیا نمی بینی که با تو مکس - مکاس - کردم تا شتر را بستانم». (جزری، ج ۴، ص ۳۴۹). و یا روایت مربوط به کسب در حجامت که مشروعیت و جواز مکس در آن تصریح شده است. «مشکلی بر تو نیست که شرط و ماکسه - مکاس - کنی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۱۶).

و نیز فقره ای دیگر از روایات دلالت بر جواز مکس و ماکسه در عقد بیع دارد که حاکی از تجویز و مشروعیت عمل مذکور در شرع می باشد. مثل روایت عامر بن جذاعة^۲؛ «هر کس مکاس می کرد و در ابتیاع با فروشنده امتناع می کرد بر او می افزود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۵۲. طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۸. فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۴۵۶) و روایت صفوان در مورد مبالغه^۳ در بیع. «به تحقیق این یک مراوضه می باشد، پس چنانچه بیع تمام شود به مثابه ی یک معامله قرار داده می شود» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۵۴. عاملی (حر)، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۶۳). همچنین گروه دیگری از روایات دلالت بر مفاد و ماهیت مکس و ماکسه یعنی محاسبه، تحاسب و حتی اخذ دارد؛ مثل روایت عروه ی بارقی - «امام فرمود برای ما یک گوسفند خریداری کن، سپس گوسفندی خریداری کرده و آن را به دو دینار فروخت و بار دیگر به یک دینار خریداری کرد و ...». (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۴۳. و نیز ر. ک مجلسی، محمد باقر ۱۴۱۰، ج ۱۰۰، ص ۱۳۶). و روایات مربوط به عقد سلم، صرف و اخبار العینه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۳. فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، ص ۷۱۳). «و اما کس بقدر جهدی».

- همچنین روایت احمد بن محمد نیز مشابه همین روایت بوده و خرید گوسفند بصورت مکس و مکاس را از سوی امام معصوم تصریح می نماید: «در کنار گوسفندان ایستاده و بر آن معامله می کردند همراه با مکاس زیاد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۹۶).

^۱ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۶۷).

^۲ .. و نیز حدیث عمر که نقل شده است: «اشکالی در ماکسه در بیع نیست». (جزری، ج ۴، ص ۳۴۹).

- به همین مضمون روایت علاء نیز در منابع روایی آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۲. عاملی (حر)، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۸۶). در

بعضی از احادیث مراوضه مکروه دانسته شده است. «به تحقیق مراوضه مکروه است». (جزری، ج ۲، ص ۲۷۷. زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۲،

^۳ ص ۶۷). «مراوضه به معنای توصیف و دعوت در معامله می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۶۴).

علاوه بر موارد فوق بعضی فتاوی و آراء فقهاء نیز به جواز و مشروعیت مکس و ماکسه تعلق گرفته و آن را در بر می گیرد. البته باید گفت حکم و فتوای تعلق گرفته به مکس و ماکسه در منابع فقهی مربوط به منظوری است که فقیه آن را از عبارات مذکور دنبال کرده و یا در پی آن بوده است. اباحه و جواز مکس به معنای مالیات، گمرک، عوارض و ذمه (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۵۷. خمینی، ج ۱، ص ۵۰۲) و جواز، استحباب و مشروعیت مکس و ماکسه به معنای حساب و محاسبه (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۶۰. اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۱۸. عاملی حر، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۴) از موارد فتاوی فقهاء در موضوع مکس می باشد. همانطور که عده ای معتقد به جواز و اباحه ی خراج و مقاسمات - سلطانی و معاملی - می باشند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۲. نایینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۹. نراقی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۱۸۷)

همچنین مکس در معانی دیگر استعمال در فقه دلالت بر معهودیت و پذیرش نهاد مذکور در کلام فقهاء دارد. «و ان ماکس الزم تصفيتها»، «و ان ماکس اخذ بالنسبه» و «و ان ماکس قسط». (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۳۹. عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹. عاملی مکی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۹. نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۹۷. همدانی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۲۱۹. عاملی زین الدین، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸).

مماکسه در آراء امام خمینی به معنای مذاکره، صحبت و جدال پیرامون قیمت در معامله بکار رفته که ظاهر رای ایشان دلالت بر اثبات ماکسه در بیع دارد. (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۴۷).

با مطالعه ی شواهد و نظایر فوق می توان گفت که با توجه به نواهی متعدد وارده در مورد مکس نمی توان دست از حرمت این تاسیس برداشت؛ و همچنین باید گفته شود که عمل مذکور در حصّه و افرادی از سوی شارع مقدس اسلام مورد ردع و ممنوعیت قرار گرفته است؛ و نیز در بعضی افراد و مصادیق جواز و استحباب از آن مذايقه می شود.

معاملات مکوسی.

مکس در موضوعات مختلف در اعمال و تعاملات اشخاص در جامعه جریان داشته که با بررسی آن می توان گفت که ماهیت و جوهره ای عقدی و معاملی دارد. «مکس فی البیع». (فیومی، ج ۲، ص ۵۷۷. زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۷۷). دریافت وجه از کالاهای معاملی که یکی از تعاریف مکس است، ماهیت آن نوعی عقد، ذمه و عهده بوده و ارکان و لوازم آن گویای عقدیت و معاملیت می باشد. همچنین انتقاص از ثمن که در خود تراضی و توافق را داشته گویای عقد بودن عمل مذکور - مکس - می باشد. (همو. این منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۰. علی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، صص ۱۶۰ و ۱۶۱). و به

همین نحو است «اخذ جمل» (جزری، ج ۴، ص ۳۴۹) در بعضی از روایات و منابع فقهی باید گفت مکس نه تنها می تواند نوعی عقد و معامله باشد بلکه به عنوان ارباب مسائل عرفی به شمار می رود.

مکس در معاملات و مسائل عرفی می تواند در غالب افراد و مصادیق متعددی محقق شود که تعدادی از آن در منابع و مستندات شرعی آمده است. از این رو بعضی از آن را که مستند به ادله ی شرع و منابع تشریح بوده می توان بصورت عقد و معامله احصاء نمود که عبارت است از:

۱- مکس درهم: ماهیت مکس در این مورد دریافت درهم و نقود از کالا در بازار و معاملات می باشد. «المکسُ درهم کانت تؤخذ من بائع السلع فی الأسواق فی الجاهلیة» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۰) که می تواند در بین معاملات باشد و یا به عنوان عهده و ذمه صورت یابد. ایجاب در این مورد به همراه عمل مذکور است. در عقد مکس ایتاء و اعطاء نقش چندانی نداشته و حتی لفظ پذیرش و قبول نیز مطرح نباشد. هر چه هست ایجاب دریافت کننده بوده و در پی آن تملک مال تحقق می یابد. «و فی کل ما باع امرؤ مکسُ درهم». (همو، ج ۶، ص ۲۲۱)

۲- مکس گوسفند و شتر: در این مورد از مکس، مکس کننده گوسفند یا شتر را به شیوه ی مکوسی از دارنده و صاحب آن دریافت می کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۴۶. همو، ج ۴، ص ۴۹۶. طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۶۷) که حقیقت و ماهیت مکس می تواند نفس دریافت (اخذ) - تملک و تصاحب - و یا حساب، محاسبه و تحاسب باشد. در متون فقهی مکس در موارد مذکور برای موضوعاتی همچون گوسفند، گاو، شتر، و غیره آورده شده است. (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۶۶. همو، ج ۱، ص ۳۶۸. همو، ج ۱، ص ۵۹. حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۲۴۸).

۳- مکس در عقود معین مثل بیع: مکس در این مورد بصورت درخواست و مطالبه برای تقلیل ثمن و کاهش آن بوده و در پایان ماکس دارنده و تحصیل کننده ی سهم مکاسه می باشد؛ (عاملی زین الدین، ۱۴۲۲، ص ۳۸۱. حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۸۱. سیزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۶، ص ۱۷. جزری، ج ۴، ص ۳۴۹). عمل مذکور در ضمن بیع - و یا عقود معین دیگر - عملی مستقل بوده و خود نوعی عقد محسوب می شود. این مصداق از معامله ی مکس در فقه با عنوان «مماکسه» آمده و می تواند از سوی هر یک از طرفین عقد معین اعمال شود. بعضی قائل به کراهت این نوع از مکس می باشند. (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۰).

۴- مکس در نقود غشّ شده: در این نوع عقد، عمل مکس علاوه بر محاسبه و یا خودداری از پرداخت زکات، می تواند به معنای خلط و مزج سکه و اعیان فلزات بهادار باشد؛ «و ان ماکس الزم تصفيتها» (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۳۹) که در مورد اول ماهیت مکس منع و خودداری است و در نتیجه ی آن شخص مالک مسکوکی می شود که از ملکیت او خارج بود. و در مورد دوم مکس خلط و مزج مسکوک است که بعد از تصفیه در درهم عاید و حاصل مالک می شود. «المکس درهم» (عاملی مکی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۳۶. حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۳۹. نجفی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۹۷).

۶- مکس در مالیات، عوارض و ورودی: آن نوعی عقد بوده که بر ذمه و عهده ی پرداخت شونده نهاده می شود. و مگاس، گیرنده و دریافت کننده ی مکس - وجه مالیات - می باشد. سایر مالیات های حکومتی - مکوسات سلطانی - نیز به همین نحو است. (لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۷۱۴. منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، صص ۲۸۱، ۲۸۵. ابوجیب ۱۴۰۸، ص ۶۵).

۷- مکس شخص با خود: مکس در حصه ای با خود مکس کننده صورت گرفته و محاسب و گیرنده خود شخص است. این عقد در مکان نفس ایجاد شده و در نتیجه ی احتساب و محاسبه ی ماکس، ستانده و مبلغی در اعتبار به میان می آید. مثل مبادرت شخص برای عقدی معین که عقد مکس با خود ماکس تحقق می یابد. (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۱. و ج ۱۴، ص ۲۲۵. حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۵۴۷. نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۱۰. سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۴۸). «و المماکسه خاصه» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۱۰).

نتیجه:

- ۱- مکس معانی متعددی داشته که هر یک در موضوع له خود می باشد و حقیقت در ماده ی م / ک / س می باشد.
- ۲- مکس و معامله ی مکوسی حصص مختلفی دارد. بعضی از موارد آن در شریعت حرام یا مکروه نص شده و بعضی مباح و جایز و یا حتی واجب. از این رو باید گفت که بعضی از حصص مکس از موارد تجویزهایی است که در فقه و شریعت از آن نقل شده است.
- ۳- افرادی از مکس می تواند در شمار عقود مسماّت قرار گیرد. مثل نفس حساب، تحاسب یا محاسبه، عملیات درهم و سکه، انتقاص، تخفیض، تقلیل و کسر در معامله و ثمن، اخذ و اتّخاذ و غیره.

۴- از افراد و مصادیق مکس تنها مالیات و گمرک در قوانین وضعی تشریح شده و موارد دیگر نظیر چانه زنی، مکوس معاملی، معاملات مکس، اخذ اموال، ضرائب، تقلیل، تخفیف و محاسبه ی ثمن و غیره می توانند در قوانین وضعی مورد تقنین قرار گیرند.

منابع فارسی و عربی:

- ۱- آل احمد. جلال. الگمارک و المکوس . ۱، ۱. تهران . ۱-.
- ۲- آل غازی. عبدالقادر. ۱۳۸۲. بیان المعانی. ۶، ۱. مطبعة الترقی . سوریه .
- ۳- احمد بن حنبل. مسند احمد . بیروت . دار صادر .
- ۴- ابن بابویه. محمد بن علی بن بابویه . ۱۴۱۳. من لایحضره الفقیه . ۲ ، ۴. دفتر انتشارات اسلامی. قم.
- ۵- ابن فارس. احمد بن فارس بن زکریا. ۱۴۰۶. مجمل اللغة . ۱ ، ۲. دارالنشر، موسسه الرساله. بیروت .
- ۶- ابن سیده . ابوالحسن علی بن اسماعیل. ۱۴۱۷. المخصص . ۵ ، ۱. دار احیا التراث العربی . بیروت .
- ۷- ابن منظور. مکرم بن محمد . ۱۴۱۴. لسان العرب . ۱۵ ، ۳. دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. بیروت .
- ۸- ابوجیب . سعدی . ۱۴۰۸. قاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً . ۱ ، ۲. دار الفکر . سوریه .
- ۹- ابو حیان، محمد بن یوسف. ۱۴۲۰. البحر المحيط فی التفسیر، ۱، ۱۱. دار الفکر . بیروت.
- ۱۰- ابوزهره. محمد. زهرة التفاسیر. ۱۰ ، ۱. دار الفکر . بیروت .
- ۱۱- ابو یوسف. یعقوب بن ابراهیم. ۱۳۰۲. کتاب الخراج . ۱. دارالمعرفه للطباعه و النشر . بیروت .
- ۱۲- اردبیلی . احمد بن محمد. ۱۴۰۳ . مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان . ۱۴ ، ۱. دفتر انتشارات اسلامی. قم
- ۱۳- بقاعی، ابراهیم بن عمر، ۱۴۲۷. نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. ۲۲. دار الکتب العلمیه، بیروت .
- ۱۴- پانی پتی، ثناء الله، ۱۴۱۲. التفسیر المظهری، ۱۲ ، ۱. مکتبه رشدیة. پاکستان.

- ۱۵ - ثلاثي، يوسف بن احمد، ۱۴۲۳. تفسير الثمرات اليانعة و الاحكام الواضحة القاطعة ، ۱، ۵. مكتبة التراث اسلامي .يمن.
- ۱۶ - جزري. ابن اثير مبارك بن محمد. النهاية في غريب الحديث و الاثر. ۱، ۵. موسسه ي مطبوعاتي اسماعيليان. قم .
- ۱۷- جصاص. احمد بن علي. ۱۴۰۵. احكام القرآن. ۱، ۳. دار احياء التراث العربي. بيروت .
- ۱۸ - حسيني شاه عبدالعظيمي . ۱۳۶۳. حسين بن احمد. تفسير اثني عشرى. ۱۴، ۱. تهران. ميقات. .
- ۱۹ - حسيني شيرازي . ۱۴۲۱ . سيد محمد . الفقه، المرور و الاداب، ۱، ۱. موسسه المجتبي .بيروت .
- ۲۰ - حسيني عاملي. ۱۴۱۹ . مفتاح الكرامه في شرح قواعد العلماءه . ۲۲، ۱ . دفتر انتشارات اسلامي. قم.
- ۲۱ - حقي برسوي. اسماعيل بن مصطفى. تفسير روح البيان. ۱۰، ۱. بيروت .
- ۲۲ - حلي .حسن بن يوسف بن مطهر . ۱۴۲۰. تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه . ۶، ۱ . موسسه ي امام صادق. قم .
- ۲۳ - ۱۴۱۴. تذكرة الفقهاء . ۱۷، ۱ . موسسه ي آل البيت . قم .
- ۲۴ - حلي .نجم الدين جعفر بن حسن . ۱۴۰۸ . شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام . ۴، ۲ . قم . موسسه ي اسماعيليان .
- ۲۵ - حلي سيورى . مقداد بن عبدالله . ۱۴۲۵ . كنز العرفان في فقه القرآن . ۲، ۱ . انتشارات مرتضوى . قم .
- ۲۶ - حميرى، نشوان بن سعيد . ۱۴۲۰ . شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم . ۱۲، ۱ ، دارالفكر المعاصر، بيروت .
- ۲۷ - خفاجي . احمد بن محمد . ۱۴۱۷ . عناية القاضى و كفاية الراضى . ۹، ۱ . دار الكتب العلميه . بيروت .
- ۲۸ - خطيب، عبدالكريم . ۱۴۲۴ . التفسير القرآنى للقرآن، ۱۶، ۱ . دار الفكر العربي . بيروت.
- ۲۹ - خمينى . سيد روح الله . ۱۴۲۱ . البيع . ۵، ۱ . موسسه ي تنظيم و نشر آثار امام خمينى . تهران .

- ۳۰ - تحرير الوسيله . ۲ ، ۱ . موسسه مطبوعات دار العلم . قم .
- ۳۱ - دهخدا . على اكبر . ۱۳۴۲ . لغت نامه دهخدا . موسسه ي انتشارات دانشگاه تهران . تهران .
- ۳۲ - رازى . ابوالفتح حسين بن على . احمد . ۱۳۷۶ . روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن . مشهد . آستان قدس .
- ۳۳ - رضا ، محمد رشيد . ۱۴۱۴ . تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار ، ۱۲ ، ۱ . دارالمعرفه . لبنان .
- ۳۴ - رسعنى ، عبدالرزاق بن رزق الله . ۱۴۲۹ . رموز الكنوز فى تفسير الكتاب العزيز . ۹ ، ۱ . مكه . مكتبة الأسدى . .
- ۳۵ - زبيدى . مرتضى . ۱۴۱۴ . تاج العروس من جواهر القاموس . ۲۰ ، ۱ . دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع . بيروت .
- ۳۶ - زمخشري . محمود بن عمر . ۱۳۷۱ . الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل . ۱۰ ، ۵ . امير كبير . تهران .
- ۳۷ - ۱۴۱۷ . الفايق فى عريب الحديث . ۴ ، ۱ . دار الكتب العلميه . بيروت .
- ۳۸ - زهيلي . وهبه . ۲۰۱۹ . آثار الحرب فى فقه الاسلامى . دارالفكر . دمشق .
- ۳۹ - زيدان . جرجى . ۱۹۰۲ . تاريخ تمدن اسلامى . ۵ ، ۷ .. مطبعة الهلال بالفجالة . مصر . .
- ۴۰ - سيزوارى ، سيد عبد الاعلى . ۱۴۱۳ . مهذب الاحكام فى بيان الحلال و الحرام . موسسه ي المنار . قم .
- ۴۱ - سرخسى . محمد بن احمد . ۱۴۱۴ . المبسوط . ۸ ، ۳ . دار المعرفه . بيروت .
- ۴۲ - سيواسى . احمد بن محمود . ۱۴۲۷ . عيون التفاسير ، ۴ ، ۱ . دار صادر . بيروت .
- ۴۳ - سيوطى . جلال الدين . ۱۴۱۱ . ذم المكس . ۱ ، ۱ . مصر . دار الصحابة للتراث بطنطا .
- ۴۴ - شهاب الدين احمد بن عبد الوهاب . ۱۴۲۴ . نويرى . ۱۶ ، ۱ . نهايه الارب فى فنون الادب . دار الكتب العلميه . بيروت .
- ۴۵ - صادقى تهرانى . محمد . ۱۴۰۶ . الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن و السنة . ۳ ، ۲ . فرهنگ اسلامى . قم .
- ۴۶ - صديق حسن خان . محمد صديق . ۱۴۲۰ . فتح البيان فى مقاصد القرآن ، ۷ ، ۱ . دار الكتب العلميه . بيروت .

- ۴۷ - طبرسى، فضل بن حسن، ۱۴۱۲. تفسير جوامع الجامع، ۴، ۱.، حوزة علميه . قم .
- ۴۸ - طباطبائي، محمد حسين. ۱۳۷۴. ترجمه تفسير الميزان. ۲۰، ۵. دفتر انتشارات اسلامي. قم .
- ۴۹ - طريحي . فخرالدين . ۱۴۱۶. مجمع البحرين . ۶، ۳. . كتاب فروشى مرتضوى . تهران .
- ۵۰ - طوسى ، ابو جعفر محمد بن حسن . ۱۳۹۰. الاستبصار فى ما اختلف من الاخبار. ۴، ۱. دارالكتب الاسلاميه. تهران.
- ۵۱ - ۱۳۸۷ . المبسوط فى الفقه . ۸، ۳. . المكتبة المرتضويه . تهران .
- ۵۲ - ۱۴۰۷ . تهذيب الاحكام . ۱۰، ۴. دار الكتب الاسلاميه .
- ۵۳ - عبدالرحمن، محمود. معجم المصطلحات و الفاظ الفقيهيه. ۳.
- ۵۴ - عاملی (حر). حرّ بن محمد بن حسن . ۱۴۰۹ . تفصيل وسايل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه . ۳۰، ۱ . موسسه
ى آل البيت . قم .
- ۵۵ - عاملی زين الدين. زين الدين بن على . ۱۴۲۲ . حاشيه مختصر النافع . ۱، ۱ . انتشارات دفتر تبليغات . قم .
- ۵۶ - همو . ۱۴۱۰ . روضه البهيه فى شرح اللمعة الدمشقيه . ۱۰، ۱ . كتاب فروشى داورى . قم .
- ۵۷ - عاملی كركى . على بن حسين . ۱۴۱۴ . جامع المقاصد فى شرح القواعد . ۱۳، ۲ . موسسه ى آل البيت . قم .
- ۵۸ - عاملی مكى . ۱۴۱۷ . محمد بن مكى . الدروس الشريعه فى فقه الاماميه . ۳، ۲ . دفتر انتشارات اسلامي . قم .
- ۵۹ - ۱۴۱۴ . غايه المراد فى شرح نكت الارشاد . ۴، ۱ . انتشارات دفتر تبليغات . قم .
- ۶۰ - القواعد و الفوائد . ۱، ۲ . كتاب فروشى مفيد . قم .
- ۶۱ - على . جواد . ۱۴۲۲ . المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام . ۲۰، ۴ . درا الساقى .
- ۶۲ - عميد . حسن . ۱۳۶۳ . فرهنگ عميد . ۱، ۲ . امير كبير . تهران .
- ۶۳ - فيض كاشانى . محمد محسن ابن مرتضى . مفاتيح الشرايع . ۳، ۱ . انتشارات مرعشى نجفى . قم .
- ۶۴ - ۱۴۰۶ . الوافى . ۲۶، ۱ . كتابخانه امام على (ع) . اصفهان .

- ۶۵ - فيومي مقرى . احمد بن محمد . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير . ۱ ، ۱ . منشورات دار الرضى . قم .
- ۶۶ - قونوى، اسماعيل بن محمد، ۱۴۲۲ . حاشية القونوى على تفسير الإمام البيضاوى و معه حاشية ابن التمجيد، ۲ ، ۱ .. دار الكتب العلمية . بيروت .
- ۶۷ - كاشانى، فتح الله بن شكرالله، ۱۴۱۹ . منهج الصادقين فى إلزام المخالفين، ۱۰ ، ۱ . كتابفروشى اسلاميه . تهران .
- ۶۸ - همو، فتح الله بن شكرالله . ۱۴۲۳ ، زبدة التفاسير . ۷ ، ۱ . مؤسسه المعارف الإسلاميه . قم .
- ۶۹ - كرمى . محمد . ۱۴۰۲ . التفسير لكتاب الله المنير . ۸ ، ۱ .. علميه . قم .
- ۷۰ - كلينى . ابوجعفر محمد بن يعقوب . ۱۴۰۷ . الكافي . ۸ ، ۴ . دارالمتب الاسلاميه . تهران .
- ۷۱ - لنگرودى جعفر . ۱۴۰۰ . ترمينولوژى حقوق . ۱ ، ۳۵ .. گنج دانش . تهران .
- ۷۲ - ۱۳۹۶ . فلسفه ی اعلى در علم حقوق . ۱ ، ۱ . گنج دانش . تهران .
- ۷۳ - مجلسى . محمد بن باقر بن محمد تقى . ۱۴۱۰ . بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة . ۳۳ ، ۱ . موسسه الطبع و النشر . بيروت .
- ۷۴ - مجلسى . محمد تقى . ۱۴۱۴ . لوامع صاحبقرانى . ۸ ، ۲ .. موسسه اسماعيليان . قم ..
- ۷۵ - منتظرى . حسينعلى . ۱۴۰۹ . دراسات فى ولاية الفقيه . ۴ ، ۲ . نشر تفكر . قم .
- ۷۶ - مقريزى . احمد بن على . ۲۰۰۸ . المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار . ۴ ، ۱ .
- ۷۷ - ميدي، احمد بن محمد، كشف الاسرار و عدة الابرار ، تهران . امير كبير . ۱۳۷۱ .
- ۷۸ - نايينى . محمد حسين . ۱۳۷۳ . منية الطالب فى حاشيه المكاسب . ۲ ، ۱ . المكتبة المحمديه . تهران .
- ۷۹ - نراقى . احمد بن محمد مهدى . ۱۴۱۵ . مستند الشيعة . ۱۹ ، ۱ .. موسسه ی آل البيت . قم .
- ۸۰ - نجفى . محمد حسن . ۱۴۰۴ . جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام .. ۴۳ ، ۷ . دار الاحياء التراث العربى . بيروت .
- ۸۱ - نجفى . حسن بن جعفر . انوار الفقاهه . ۱۴۲۲ . كتاب المضاربة . ۱ ، ۱ .. موسسه كاشف الغطا . عراق .

۸۲ - همدانی. آقا رضا بن محمد هادی . ۱۴۱۶ . مصباح الفقيه. ۱۴ ، ۱ . موسسه ی جعفریه لاحياء التراث و موسسه ی النشر الاسلامی. قم .

منابع لاتین:

1- bedini.silvio a. 2016. The christopher columbus encyclopedia. 1 ,1 .a paramant communications company .

2- number of the leading orientalissts . 1991 .the encyclopaedia of islam.12,1 e.j . brill. Leiden. netherlands .

3- Oxford English dictionary . 1989 . oxford university press .oxford university press .20, 2 . england .